

از ادموندز تا امروز؛ بررسی چند و چون تغییرات نقوش برجسته آرامگاه صخره‌ای قیزقاپان از ۱۹۳۴ میلادی تاکنون

چکیده

در سال ۱۳۹۲ شمسی فرصتی پیش آمد که نگارنده از آرامگاه صخره‌ای قیزقاپان واقع در اقلیم کردستان عراق بازدید کند. در نتیجه این دیدار مشخص شد که نقوش برجسته آرامگاه مذکور نسبت به تصاویر قدیمی همین اثر که در سال ۱۹۳۴ میلادی توسط سی.جی. ادموندز منتشر شده، تغییرات و تفاوت‌های قابل توجهی را نشان می‌دهند. اهمیت این موضوع از آن جهت است که هر نوع اظهار نظر علمی درباره قیزقاپان به‌ویژه در بحث گاهنگاری و هویت‌شناسی این اثر، در درجه نخست مستلزم آگاهی دقیق از چند و چون تغییرات ایجاد شده و اطمینان از اصالت نقوش برجسته و نمادین آن خواهد بود. پس از تفحص و پرس و جوی بیش‌تر مشخص شد که اثر مذکور در سال‌های اخیر توسط یک مرمت‌گر بومی گرد به نام «آکام عمر» مرمت شده است. این موضوع بهانه‌ای شد تا به سراغ شخص مذکور رفته و به بررسی چند و چون کار وی و نیز تغییراتی که در ظاهر آرامگاه ایجاد شده، بپردازم. نوشتار پیش رو به بررسی تفاوت نقوش قیزقاپان در وضعیت مرمت شده کنونی نسبت به آرشیو تصاویر قدیمی ادموندز و فون‌گال و نیز شرح اقدامات مرمتی صورت گرفته بر روی این اثر خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: قیزقاپان، کردستان عراق، ادموندز، مرمت

درآمد

کیلومتری شمال غار معروف زارزی^۴ بر سینه کوه سرسیرد^۵ کنده شده است. آرامگاه صخره‌ای قیزقاپان شامل یک ایوان و بخش تدفین متشکل از سه اتاق است که در کف هر کدام، یک گودال تدفین حفر شده است. بر دیواره پستی ایوان، تزیینات معروف قیزقاپان شامل نیم‌ستون‌ها و نقوش برجسته حجاری شده است.

آرامگاه صخره‌ای قیزقاپان که به گفته جورجینا هرمان یکی از مزین‌ترین و پرنقش‌ترین مقابر صخره‌ای به شمار می‌رود (هرمان، ۱۳۷۳: ۴۰)، در شمال شرقی کشور عراق، در اقلیم خودمختار کردستان، در فاصله حدود ۵۰ کیلومتری شمال غربی شهر سلیمانیه، در کنار جاده منتهی به سد دکان^۱ واقع شده است (نقشه ۱). آرامگاه مذکور در فاصله ۲ کیلومتری جنوب غربی روستای سورداش^۲ و حدود ۱

3- Surdash

۴- در منابع گردی این نام با فتحه اول به صورت «زه‌زی» (Zârzi) ثبت شده است.

5- Sar-Sird

* دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی دانشگاه تهران (iraj.rezaie@ut.ac.ir)

1- Georgina Herrmann

2- Dokan



نخستین پژوهشگری که از این آرامگاه صخره‌ای دیدن کرد، سی.جی. ادموندز سرپرست موقت اداره عتیقات عراق بود که در ماه آوریل سال ۱۹۳۴ پس از بازدید از قیزقاپان، نتیجه مشاهدات خود را به صورت مفصل در مجله عراق به چاپ رساند (Edmonds, 1934: 183-192). بطور کلی توصیفات ادموندز از قیزقاپان، صرف نظر از برخی کمبودها و کاستی‌های موجود، بسیار دقیق و رسا بوده چنانکه هنوز هم پس از گذشت بیش از هشت دهه همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است. بعلاوه ادموندز تصاویر و طرح‌هایی را از قیزقاپان منتشر کرده که از آن زمان تاکنون مبنای هرگونه اظهار نظر درباره گاهنگاری و هویت‌شناسی نقوش این آرامگاه بوده است. چند دهه پس از وی هوبرتوس فون‌گال، پژوهشگر آلمانی، در یک مقاله به بررسی قیزقاپان پرداخت و طرح‌های جدیدتری را از این اثر منتشر کرد. در ادامه به بررسی تفاوت‌های نقوش مختلف قیزقاپان در وضعیت مرمت شده کنونی با تصاویر و طرح‌های قدیمی ادموندز و فون‌گال خواهیم پرداخت و اشتباهات یا نواقصی را که در طرح‌های قدیمی‌تر وجود دارد، شرح خواهیم داد.

۱. نیم‌ستون‌های قیزقاپان

در دو طرف درگاه ورودی بخش تدفین در قیزقاپان، دو نیم‌ستون حجاری شده است. در زمان بازدید ادموندز، پایه ستون سمت راست آسیب بیش‌تری دیده بود و بخشی از حلزونی سمت چپ، متعلق به سرستون سمت چپ هم شکسته و جدا شده بود که در حال حاضر این بخش‌ها مرمت و بازسازی شده است. بین حلزونی‌های سرستون‌ها تزیینی دیده می‌شود که ادموندز آن‌ها را آذین برگ نخلی یا پالمت^۱ (Edmonds, 1934: 185)، هرتسفلد، آذین برگ نخلی قدیمی^۲ (Herzfeld, 1941: 204) و هرمان نقش‌مایه‌های گُل و بُته (هرمان، ۱۳۷۳: ۴۰) نامیده‌اند (تصویر ۱). تزیین نامبرده در قسمت بالا به شکل یک گل نُه پر است که در طرح ادموندز به شکل پره‌های نوک پهن، اما در طرح فون‌گال و نیز در وضعیت کنونی به شکل

پره‌های نوک تیز دیده می‌شوند (شکل ۱). بخش پایینی آذین برگ نخلی، متشکل از دو حلزونی کوچک است که میان آن‌ها دو پایه کمانی شکل قرار گرفته است. این قسمت صرف نظر از تفاوت‌های جزئی، تقریباً در هر سه منبع مورد استناد ما یعنی تصاویر و طرح ادموندز، طرح فون‌گال و وضعیت مرمت شده کنونی، یکسان به نظر می‌رسد. اما در طرح فون‌گال یک پره اضافی میان پایه‌های کمانی شکل قرار دارد که در طرح ادموندز و وضعیت مرمت شده کنونی، چنین نقشی دیده نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت که فون‌گال در ترسیم این پره اضافی، مرتکب اشتباه شده است. بعلاوه، در طرح فون‌گال و نیز در وضعیت مرمت شده کنونی، در چهار گوشه بین آذین برگ نخلی و حلزونی‌های هر سرستون، چهار تزیین کوچک دیگر شبیه بال یک پرنده یا یک بادبزن (پالمت‌های کوچک گوشه‌ها) دیده می‌شود که در طرح ادموندز ترسیم نشده است (شکل ۱). بررسی یکی از تصاویر ادموندز که البته وضوح چندانی ندارد نشان می‌دهد که این تزیینات کوچک بادبزی شکل در تصاویر وی نیز دیده می‌شود، هرچند که وی آن‌ها را به اشتباه در طرح خود نشان نداده است. در برخی منابع، برای اشاره به تزیینات کوچک مشابه این، از اصطلاح honeysuckle استفاده شده اما در بیش‌تر منابع این نوع تزیین، آذین برگ نخلی کوچک گوشه (پالمت گوشه)^۳ نامیده شده است (ن.ک. به Litvinsky & Pichikian, 1998: 234). بخش تاوه سرستون دارای تزییناتی است که ادموندز آن‌ها را «تخم مرغ و زبانه»^۴ معرفی کرده (Edmonds 1934: 185) و نگارنده با توجه به هندسی بودن این اشکال، ترجیحاً آن‌ها را تزیینات «بیضی-زبانه‌ای» نامیده‌ام. تزیینات مذکور عبارتند از طرح‌های نیم‌بیضوی شکل عمودی که در فواصل آن‌ها زبانه‌های لوزی مانندی، ترسیم شده است. در وضعیت مرمت شده کنونی و نیز در طرح فون‌گال، زبانه‌ها کشیده‌تر و مشخص‌تر از طرح ادموندز هستند.

۴- Egg-and-tongue اصطلاح رایج‌تر برای این نوع تزیین در منابع مربوط به معماری یونان باستان و عصر هلنی، egg and dart (تخم مرغ و نیش) است (Ware & Betty, 1944: 45; Marquand, 1909: fig.182; Litvinsky & Pichikian, 1998: 234).

1- Palmette
2- Archaic Palmette
3- Small Angle Palmettes

۲. صحنه نیایش قیزقاپان؛ شامل پیکره دو نیایشگر در اطراف آتشدان

در بالای درگاهی که به اتاق تدفین راه دارد، یک نوار افقی برجسته حجاری شده که بر روی آن پیکره دو نیایشگر و یک آتشدان درون یک قاب فرورفته قرار گرفته‌اند. در طرح ادموندز انتهای کمان، درست در مقابل پا و مماس بر پنجه پای پیکره سمت راست قرار دارد، که اندکی با وضعیت کنونی متفاوت است. بعلاوه در وضعیت مرمت شده کنونی، چین‌هایی بر روی پیراهن این شخص در قسمت ساعد دست راست دیده می‌شود که در طرح ادموندز و فون‌گال وجود ندارد، اما تاحدودی می‌توان آثار آن را در تصاویر قدیمی ادموندز مشاهده کرد. در زمان بازدید ادموندز زانوی [چپ] پیکره به شکل بدی آسیب دیده بود که به گفته وی دلیل آن شلیک گلوله بوده است (Edmonds, 1934: 185). این آسیب دیدگی هم در مرمت‌های اخیر ترمیم شده است. در طرح ادموندز، دهان‌بندی روی لب بالایی پیکره سمت راست را پوشانده است، اما در طرح فون‌گال و نیز در وضعیت مرمت شده کنونی، سبیل پیکره از زیر دهان‌بند بیرون مانده و به خوبی قابل تشخیص است. امروزه آثار مرمت‌های صورت گرفته بویژه در قسمت دست راست و زانوی چپ پیکره سمت راست قابل تشخیص است.

مقایسه طرح‌های پیکره سمت چپ قیزقاپان با وضعیت مرمت شده کنونی نشان می‌دهد که فقط در طرح هرتسفلد موقعیت دقیق انتهای کمان بر روی پنجه پا به درستی ترسیم شده است (شکل ۲). علاوه بر آن، در طرح ادموندز و فون‌گال، انتهای پایینی کمان به اشتباه به صورت مستقیم طراحی شده است. این اشتباه به دلیل فرسایش و نامشخص بودن نقش بوده هرچند که از روی دسته فوقانی کمان هم می‌توان دریافت که بخش پایینی آن نیز می‌باید به صورت قرینه بخش فوقانی و به شکل برگشته باشد. بر روی سینه پیکره سمت چپ، در کنار بازوی راست، شیئی با سر بیضی‌شکل به طول حدود ۱۰ سانتی‌متر دیده می‌شود که در گزارش اولیه ادموندز به این شیء اشاره‌ای نشده است و در طرح وی و هرتسفلد نیز اثری از آن مشاهده نمی‌شود اما در تصاویر قدیمی تاحدودی آثار آن قابل تشخیص است. این شیء در طرح جدیدتر فون‌گال و نیز در وضعیت مرمت شده کنونی، به خوبی مشخص است. بخش فوقانی و پشتی

سربند پیکره سمت چپ کاملاً بازسازی و مرمت شده است. این بخش‌ها هنگام بازدید ادموندز به دلیل آسیب دیدگی چندان آشکار نبودند و به همین دلیل در طرح وی ارتفاع سربند کمتر به نظر می‌رسد. بطور کلی موقعیت و جزئیات برخی اجزای این نقش در طرح‌ها و تصاویر قدیمی‌تر ادموندز کم و بیش مشخص شده اما در طرح فون‌گال این موارد با دقت بیش‌تری نشان داده شده است.

۳. نقوش نمادین سه گانه در قیزقاپان

برفراز پیکره نیایشگران قیزقاپان، درست در طرفین سرستون‌ها، سه نقش دیگر حجاری شده که به ترتیب از چپ به راست عبارتند از: ۱. نقش انسان بالدار، ۲. نقش پیکره درون قرص ماه و ۳. نقش ستاره ۱۱ پر.

مرمت‌ها و آشکارسازی‌هایی که در سال‌های اخیر بر روی نقش انسان چهاربال قیزقاپان صورت گرفته، در برخی جزئیات تفاوت‌های آشکاری را نسبت به توصیف اولیه ادموندز و طرح ترسیم‌ی وی نشان می‌دهد. ادموندز در بازدید خود از قیزقاپان، متوجه شد که نقش انسان بالدار در اثر هوازدگی و فرسایش، بسیار بیش‌تر از نقوش دیگر آسیب دیده اما وی توانست برخی اجزای اصلی این نقش چون دو بال فوقانی، دستی که بین بال چپ فوقانی و سر بالا آمده، دستی که در امتداد بال چپ فوقانی قرار دارد، بال پایینی راست و نوار زیر آن و دم را تشخیص دهد و آن‌ها را ترسیم کند. به نظر ادموندز سر به آسانی برای یک چشم غیر مسلح قابل تشخیص نیست، اما در عکس‌ها آشکار است (Edmonds, 1934: 189). در نتیجه طرحی که ادموندز از این نقش ترسیم کرد، همه جزئیات را به روشنی نشان نمی‌داد و در آن ابهاماتی به ویژه در قسمت سر و تنه وجود داشت. به همین دلیل برخی پژوهشگران بعدی که براساس ترسیم ادموندز به تفسیر این نقش پرداختند درباره جزئیات آن مرتکب اشتباه شدند. برای مثال وست تصور کرده است که این نقش بیش از یک سر دارد (West, 2002: 53).

در وضعیت مرمت شده کنونی، انسان بالدار آشکارا از درون یک حلقه برخاسته است، حال آنکه نه در گزارش ادموندز و نه در طرح او نشانه‌ای از وجود چنین حلقه‌ای دیده نمی‌شود. احتمالاً حلقه مذکور در آن زمان به دلیل فرسایش و پنهان شدن زیر لایه‌های رسوبی، برای ادموندز





قابل تشخیص نبوده هرچند که فاصله نامناسب ادموندز از این نقش هم باعث شده که مشاهده دقیق حلقه مذکور و برخی جزئیات دیگر نقش مذکور برای این پژوهشگر امکان پذیر نباشد. حلقه مذکور در طرح فون گال هم دیده نمی شود. در تصاویر ادموندز، آثار چهار بال کاملاً مشخص است که دو بال آن در بالا قرار دارد و با همدیگر شکلی هلال ساخته اند. در این تصاویر آثار پرها در لبه های بال ها به خوبی آشکار است و نوک بال ها به سمت سر پیکره در داخل برگشته است. در مقایسه با طرح فون گال، ادموندز این دو بال را به شکل دقیق تری ترسیم کرده، زیرا اگرچه در طرح فون گال جزئیات تاحدودی به همان صورت ترسیم شده، اما زاویه بال ها نسبت به بدن و نیز میزان خمیدگی آن ها متفاوت نشان داده شده است (شکل ۳). در وضعیت کنونی، بال فوقانی چپ آشکارا از پشت بازوی چپ برخاسته است.

در تصاویر ادموندز پیکره بالدار کلاه تاج مانند کم ارتفاعی بر سر گذاشته که تزئینات شیاردار عمودی موسوم به تزئینات قاشقی بر روی آن قابل تشخیص است. همین تزئینات در طرح وی هم نشان داده شده است. در طرح فون گال، کلاه به شکل متفاوتی ترسیم شده و تاحدودی بلندتر به نظر می رسد. در مرمت های صورت گرفته، شکل کلی کلاه تقریباً شبیه طرح فون گال اما کوتاه تر از آن به نظر می رسد و تزئینات شیاردار عمودی کاملاً نمایان شده اند. در وضعیت مرمت شده کنونی، بیش تر جزئیات سر و صورت چون دماغ، چشم، ابرو و موی سر و ریش آشکار است اما در تصاویر قدیمی بسیاری از این جزئیات به خوبی قابل تشخیص نیست (تصویر ۳). به گفته ادموندز سر انسان بالدار قیزقاپان در مقایسه با نقش اهورامزدا در حجاری های هخامنشی بزرگ و فاقد نیم تنه است (Edmonds, 1934: 189)، که این آشفتگی در طرح او نیز منعکس شده است. باین حال در وضعیت کنونی، سر و نیم تنه فوقانی کاملاً مشخص بوده و از یکدیگر تفکیک شده اند و سر آنگونه که در طرح ادموندز آمده، بزرگ و نامتناسب نیست. چنانکه از تصاویر ادموندز می توان دریافت دو بال پایینی این نقش در کنار هم شکلی شبیه به حرف «V» اما به صورت واژگون و خمیده به خود گرفته است. این حالت در طرح ادموندز

نیز منعکس شده اما در طرح فون گال و بویژه در نقش مرمت شده کنونی، این دو بال نسبت به هم زاویه بازتری دارند و تقریباً به حالت افقی نشان داده شده اند که تاحدودی متفاوت از تصاویر ادموندز به نظر می رسد. ظاهراً این اختلاف به دلیل آشکار شدن بخش دم در رسوب زدایی های سال های اخیر است که در تصاویر قدیمی دیده نمی شود. بنا به گفته ادموندز، دم پیکره در زمان بازدید وی قابل تشخیص بوده است (Edmonds, 1934: 189)، هرچند که این بخش نه در تصاویر و نه در ترسیمات وی و فون گال دیده نمی شود. در وضعیت کنونی، دم پیکره متشکل از سه ردیف پر نشان داده شده که در زیر حلقه، بصورت عمودی روی هم قرار گرفته اند. بعلاوه، در طرح ادموندز و نیز در تصاویر وی آثار نواری به صورت مبهم در پایین بال چپ زیرین دیده می شود که در انتهای آن سه حلقه دایره ای شکل در کنار هم قرار دارند اما در طرح فون گال به جای آن، دو پیچک^۱ بلند دیده می شود که مشابه نمونه های هخامنشی و آشوری است. در وضعیت مرمت شده کنونی نیز همچون طرح فون گال این قسمت و قرینه آن در سمت مقابل، به شکل پاهای پیچکمانندی در دو طرف دم، نمایش داده شده اند. از هر طرف دم، درست زیر بال های زیرین، یک پیچک دراز به طور اریب به سمت پایین خم شده و مجدداً در انتها در جهت عکس به سمت بالا پیچ خورده است. در عکس های قدیمی وضعیت دست راست نقش انسان بالدار، دقیقاً مشخص نیست. در طرح ادموندز، دست راست به حالت احترام، بالا نگاه داشته شده و چیزی را حمل نمی کند. در طرح فون گال هم دست راست به کلی نشان داده نشده است. اما در وضعیت کنونی، دست راست آشکارا شیء بلندی را در مقابل صورت نگاه داشته که تاحد زیادی شبیه به شیئی است که نقش نمادین میانی در دست دارد. پژوهشگران بعدی این شیء را گل نیلوفر (فرجامی راد، ۱۳۸۹: ۱۲) و برسم (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۳۸) نامیده اند. بعلاوه، در طرح ادموندز انسان بالدار دست چپ خود را به حالت افقی در امتداد بال فوقانی راست به طرف جلو نگه داشته است. در وضعیت کنونی، دست چپ انسان بالدار آشکارا از قسمت آرنج خم شده و در یک زاویه نود درجه نسبت به بازو، به سمت جلو قرار گرفته است. در تصاویر

ادموندز و نیز در طرح‌های وی و فون‌گال، پوشش انسان بالدار قابل تشخیص نیست اما در وضعیت کنونی، بر تن پیکره مذکور پیراهنی تنگ و چسبان دیده می‌شود که چین‌های آن در برخی قسمت‌ها چون ساعد دست چپ آشکار است.

نقش میانی قیزقاپان (پیکره درون قرص ماه)، در هیچ یک از تصاویر منتشر شده ادموندز به صورت واضح و روشنی دیده نمی‌شود. البته ادموندز نقش مذکور را در طرح خود منعکس کرده که در برخی جزئیات مهم، اختلافات آشکاری با نقش کنونی دارد. در طرح فون‌گال که چند دهه بعد ترسیم شده، کلاه پیکره درون قرص ماه استوانه‌ای شکل و کوتاه به نظر می‌رسد و موی سر وی نیز تاحدودی در قسمت پشت جمع شده است. در وضعیت کنونی سرپوش این نقش به صورت یک کلاه سلطنتی دیده می‌شود که سطح آن همچون کلاه انسان بالدار، با تزیینات شیاردار عمودی آراسته شده است. تفاوت مهم سرپوش انسان درون ماه با کلاه انسان بالدار در آن است که بخش فوقانی کلاه در نقش انسان درون ماه به صورت دندانه‌دار و در نقش انسان بالدار به صورت تخت است. موی سر به شکل حلقه‌هایی از زیر کلاه بیرون زده و بر روی پیشانی ریخته است. در فضای پشت سر نیز مو به صورت جمع شده و توپی شکل مرمت شده است. همچنین ریش بلند انسان درون قرص تا روی سینه امتداد یافته و سایر جزئیات صورت مانند چشم چپ، دماغ، لبها و سیبل وی نیز کم و بیش آشکار است (شکل ۴). در وضعیت کنونی، آثاری از رنگ سیاه بر روی موی سر و ریش همچنین رنگ قرمز بر روی تاج این نقش باقی مانده است.

به گفته ادموندز، پیکره درون قرص ماه با دست خود شیئی را حمل می‌کند که شاید از روی شکل آن بتوان گفت که یک جام شراب یا چوب دستی است (Edmonds, 1934: 189). در طرح ادموندز فقط دست چپ این مرد ترسیم شده که شیئی شبیه ظرف مایعات را حمل می‌کند. اما در طرح جدیدتر فون‌گال، هم شکل این شیء متفاوت ترسیم شده و هم آنکه شیء مذکور در دست راست انسان درون قرص قرار دارد نه در دست چپ او. در طرح فون‌گال، ظاهراً دست چپ مرد نمادین در مقابل سینه وی قرار گرفته

است اما چیزی را حمل نمی‌کند. در وضعیت مرمت شده کنونی، شیء یادشده همانند طرح فون‌گال در دست راست انسان درون قرص قرار گرفته اما شکل کلی آن تاحدودی متفاوت از طرح فون‌گال و بلندتر از آن به نظر می‌رسد. شکل کلی شیئی که در دست راست انسان درون قرص دارد شبیه شیئی است که در دست راست نماد انسان بالدار (نقش نمادین سمت چپ) قرار دارد. علاوه بر ادموندز، پژوهشگران دیگر نیز شیء مذکور را جام بلند یا برسم (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۳۸)، تنگ^۲ (West, 2002: 53) و یا گل نیلوفر (فرجامی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۲؛ Von Gall, 1988: 572) دانسته‌اند.

در وضعیت مرمت شده کنونی، دست چپ پیکره انسان درون ماه در حالیکه تا مچ در زیر ردا مخفی شده، در مقابل شکم و پایین‌تر از دست راست قرار دارد. در کف دست چپ، یک شیء بیضی شکل بزرگ دیده می‌شود که در توصیفات ادموندز به وجود آن اشاره‌ای نشده و در طرح وی و فون‌گال هم چنین شیئی دیده نمی‌شود. به نظر ادموندز، انسان درون قرص به صورت نشسته قرار دارد و ظاهراً ردایی به تن دارد (Edmonds, 1934: 187). در طرح وی، این مرد پوشش بلندی بر تن دارد و چنان نشان داده شده که گویی بر روی صندلی نشسته است، در حالیکه در طرح اصلاحی فون‌گال شخص ایستاده‌ای مشاهده می‌شود که پوشش عبا مانند و پرچین و گشادی برتن دارد. در وضعیت کنونی نیز مرد نمادین به صورت ایستاده نشان داده شده و پای راست خود را که از زانو خم شده جلو گذاشته است.

پروژه مرمتی قیزقاپان

کار رسوب‌زدایی و آشکارسازی جزئیات نقوش و نیز مرمت بخش‌های آسیب دیده قیزقاپان در ماه اکتبر سال ۲۰۰۲ توسط یک مرمت‌گر بومی به نام آکام عمر به انجام رسید (تصویر ۴). در گفتگوی شخصی نگارنده با مرمت‌گر مشخص شد که در اثر گذشت زمان، لایه‌ای از رسوبات بر روی نقوش قیزقاپان شکل گرفته بود که ضخامت آن در قسمت‌های مختلف متفاوت بوده است. در مورد نقش نمادین میانی قیزقاپان (پیکره درون قرص ماه)، یک لایه رسوبی به ضخامت حدود ۱ میلی‌متر تمام سطح این نقش را پوشانده





بود که باعث شده بود تا جزئیات این نقش ظریف و کوچک برای پژوهشگرانی چون ادموندز و فون گال کاملاً مشخص و آشکار نباشد. پس از زدودن لایهٔ رسوبی به شیوهٔ فیزیکی مشخص شد که برخلاف تصور، این نقش در وضعیت بسیار مناسبی قرار دارد و در واقع لایهٔ رسوبی مانع از آسیب‌دیدگی و تخریب این نقش پس از گذشت سال‌ها شده بود. برای پاک کردن این نقش هم فقط از آب و پودر رختشویی استفاده شد. پس از زدودن آلودگی‌ها، آثار رنگ فیروزه‌ای و رنگ سرخ اناری بر تاج پیکرهٔ درون قرص ماه نمایان شد (تصاویر ۵ و ۶).

ضخامت رسوبات بر روی نقش پیکرهٔ بالدار حتی بسیار بیش‌تر از این بود چنانکه در برخی قسمت‌های آن به حدود ۱۴ میلی‌متر می‌رسید. به همین دلیل برخی اجزاء و جزئیات این نقش از جمله حلقهٔ مرکزی برای مدت‌ها از دید عموم پنهان مانده بود. برای زدودن رسوبات این نقش، هم از شیوهٔ فیزیکی و هم مواد شیمیایی استفاده شد. مواد شیمیایی به کار رفته شامل هیدروکلریک (HCL) ۴ درصد بود که در نهایت باعث آشکار شدن جزئیات بیش‌تری از این نقش شد (تصاویر ۶ و ۷). برای مرمت بخش‌های آسیب‌دیده، از ترکیب سنگ نمک آسیاب شده و نوعی سیمان و در برخی قسمت‌ها هم از آهن به عنوان نگاه دارنده استفاده شد. همچنین در امر قالب‌گیری و کپی کردن، تنها از سیلیکون به همراه توری نابلون و از گچ نیز به عنوان پشتیبان سیلیکون استفاده شد.

سپاسگزاری

از آقایان رحیم کمال رشید، مسئول ادارهٔ باستان‌شناسی (شوینه‌وارناسی) شهر سلیمانیه و هاشم محمد عبدالله مدیر موزه شهر سلیمانیه به خاطر همکاری‌هایشان، همچنین از آقای آکام عمر، مرمت‌گر قیزقاپان به خاطر اطلاعاتی که در مورد پروژهٔ مرمتی قیزقاپان در اختیار اینجانب گذاشتند، و نیز از آقای ناصر امینی‌خواه به خاطر طرح تازه‌ای که از آرامگاه قیزقاپان تهیه کردند، سپاسگزاری می‌شود.

کتاب‌نامه

فارسی

فرجامی‌راد، مهدخت، ۱۳۸۹، «پژوهشی نو در گاهنگاری گوردخمه قیزقاپان (کردستان عراق)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۶-۷.

ملازاده، کاظم، ۱۳۹۳، باستان‌شناسی ماد، تهران: سمت.

هرمان، جورجینا، ۱۳۷۳، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

غیرفارسی

Edmonds, C.J., 1934, "A Tomb in Kurdistan", *IRAQ* I(2): 183-192, Fasc. 2: 211-214.

Herzfeld, E., 1941, *Iran in the ancient east*, London and New York.

Litvinsky, B.A., & Pichikian, I.R., 1998, "The Ionic Capital from the Temple of the Oxus (Northern Bactria)", *Iranica Antiqua* XXXIII: 233-258.

Marquand, A., 1909, *Greek Architecture*, New York, the Macmillan Company.

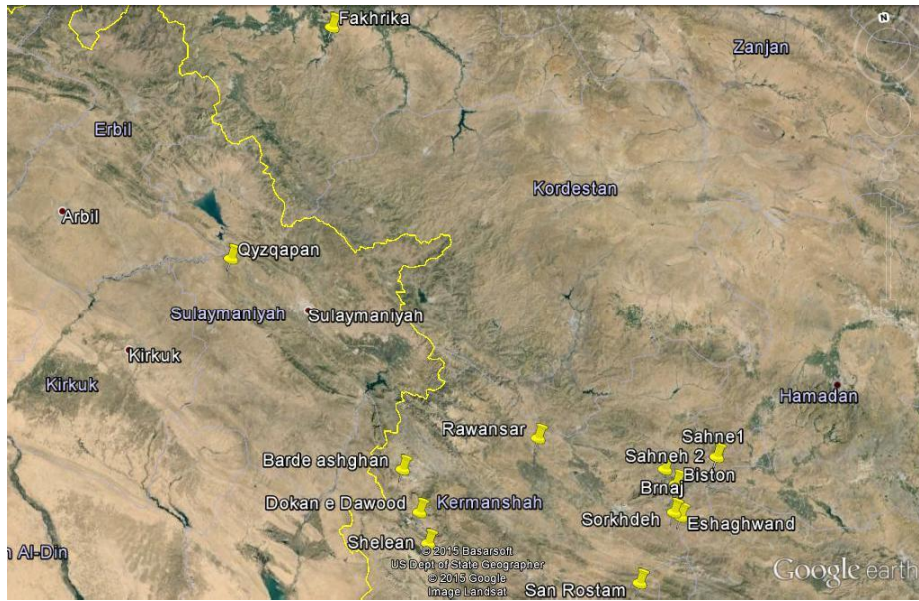
Von Gall, H., 1988, "Das Felsgrab von Qizqapan. Ein Denkmal Aus Dem Umfeld der Achämenidischen Königesstrasse", *Bagdader Mitteilungen* 19: 557-82.

Ware, D., & Betty, B., 1944, *A Short Dictionary of Architecture*, London.

West, M., 2002, "Darius ascent to paradise", *Indo-Iranian Journal* 45: 51-57.

اینترنتی

Qyzqapan tomb:
<http://mcid.mcah.columbia.edu/mapping-mesopotamian-mounuments/qyzqapan-tomb>



نقشه ۱: موقعیت قیزقاپان در نقشه منطقه و نسبت به دیگر آرامگاههای صخرهای غرب ایران (عکس هوایی از گوگل ارت)



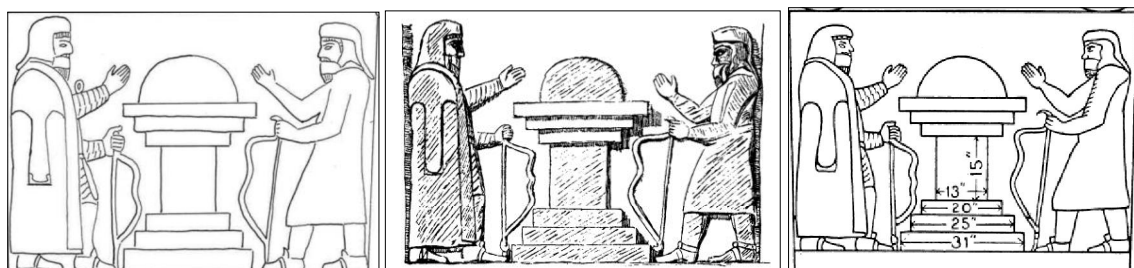
تصویر ۱: جزییات سرستون‌های سمت راست و سمت چپ قیزقاپان در وضعیت مرمت شده کنونی، آثار مرمت بر روی بخش شکسته سرستون سمت چپ آشکار است (<http://mcid.mcah.columbia.edu>).



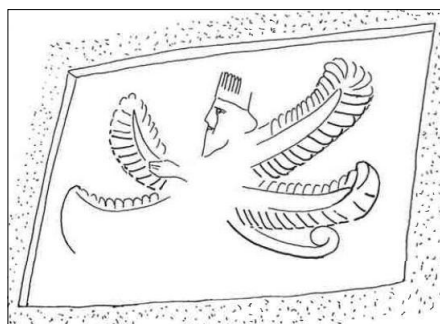
شکل ۱: راست) طرح ادموندرز از سرستون سمت راست قیزقاپان (Edmonds, 1934: Fig. 2)، وسط) همان سرستون در طرح فون گال (Von Gall, 1988: fig. 4) و در وضعیت مرمت شده کنونی، چپ) تزیینات برگ نخلی و بیضی-زبانه‌ای بر روی این سرستون‌ها مشخص است.



تصویر ۲: صحنه نیایش در قیزقاپان در وضعیت مرمت شده کنونی (<http://mcid.mcah.columbia.edu>)



شکل ۲: (راست) جزییات صحنه نیایش قیزقاپان در طرح قدیمی ادmondز (Edmonds, 1934: Fig. 2)، و (وسط) در طرح هر تسفلد (Von Gall, 1988: fig. 4) (چپ) در طرح فون گال (Herzfeld, 1941: fig. 313)



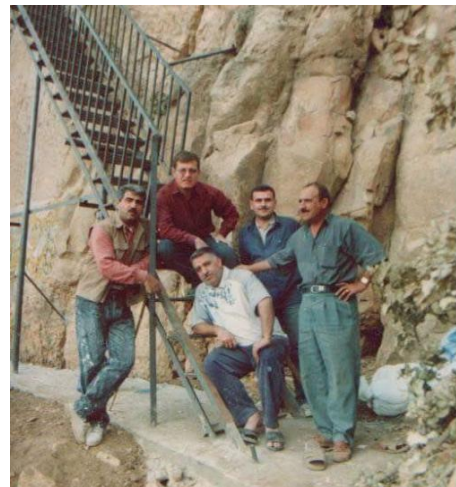
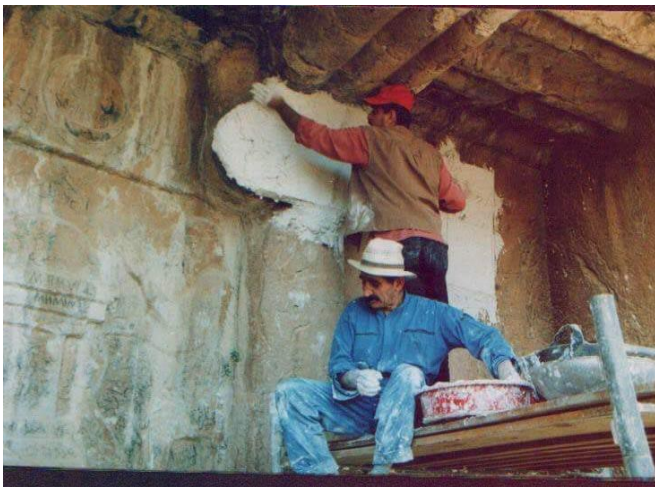
شکل ۳: (راست) طرح ادmondز از نقش نمادین انسان بالدار در قیزقاپان (Edmonds, 1934: Fig. 2)، (چپ) طرح اصلاحی فون گال از همان نقش (Von Gall, 1988: fig. 6)



تصویر ۳: راست) تصویر قدیمی ادموندز از نقش انسان بالدار در قیزقاپان (Edmonds, 1934: Fig.3)، چپ) وضعیت کنونی نقش یادشده پس از مرمت (<http://mcid.mcah.columbia.edu>)



شکل ۴: راست) طرح اولیه ادموندز از پیکره درون قرص ماه (نقش نمادین میانی در قیزقاپان) (Edmonds, 1934: Fig. 2)، وسط) طرح اصلاحی فون گال از همان نقش (Von Gall, 1988: fig. 4) و چپ) پیکره درون ماه در وضعیت مرمت شده کنونی (<http://mcid.mcah.columbia.edu>)



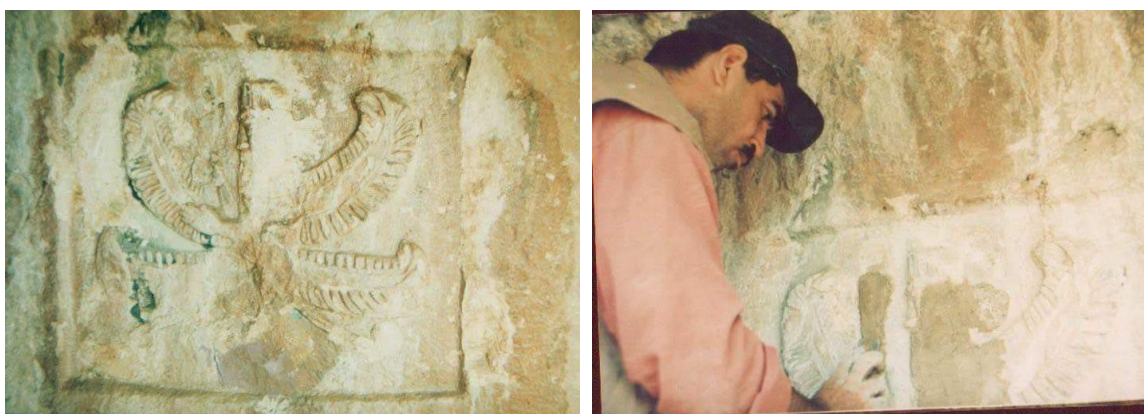
تصویر ۴: گروه مرمت قیزقاپان، در تصویر سمت راست آکام عمر (سمت چپ تصویر) مرمتگر و هاشم محمد عبدالله (نشسته پایین) مسئول موزه خانه سلیمانیه دیده می‌شوند.



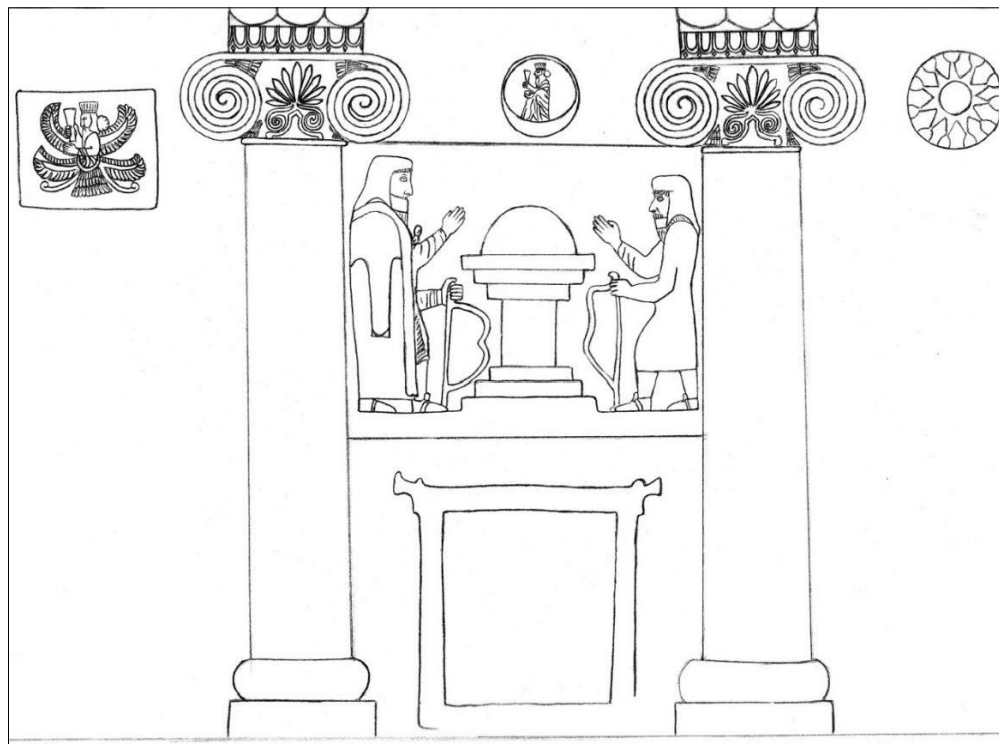
تصویر ۵: نقش نمادین میانی در قیزقاپان (پیکره درون قرص ماه)، پس از زدودن لایه رسوبات فوقانی (عکس از آکام عمر)



تصویر ۶: نقش نمادین میانی در قیزقاپان (پیکره درون قرص ماه)، در حین پاک کردن آلودگی‌های سطحی (عکس از آکام عمر)



تصویر ۷: نقش نمادین انسان بالدار در قیزقاپان، در حین زدودن لایه رسوبات فوقانی و پس از پایان کار (عکس از آکام عمر)

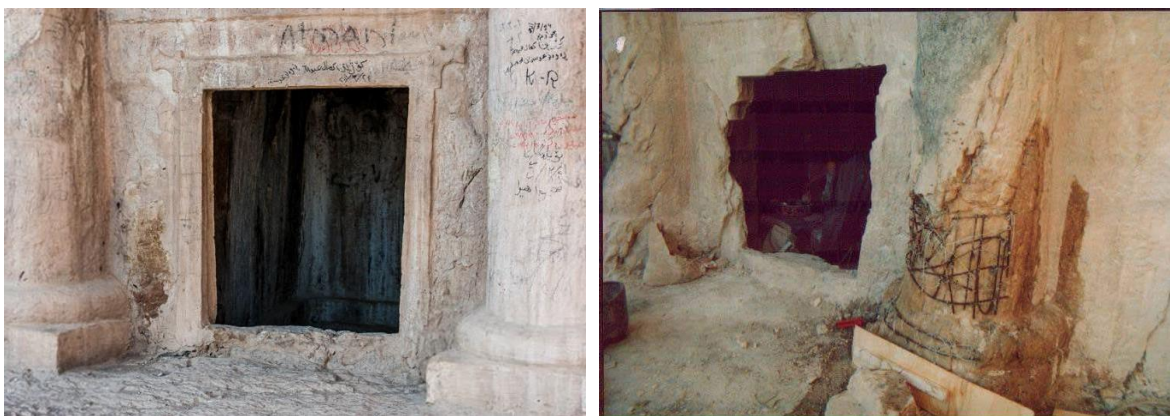


شکل ۵: طرح تازة قیزقاپان از ناصر امینی خواه

۳۵



باستان‌پژوه، سال هفدهم و هجدهم، شماره ۲۲ و ۲۳، زمستان ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶



تصویر ۸: درگاه ورودی به بخش تدفین در قیزقاپان پیش از مرمت (راست) (عکس از آکام عمر) و پس از آن (چپ)